



خط فقر
۰۸میلیون تومان شد



مهدی عزیزی

انتخاب‌هایی که به کمک خانواده‌ها آمده‌اند



عیسیعلی سپاه‌پویشی

روزنامه‌نگار

حدود ۲۰سال قبل، دوستی از من خواست تا برایش فهرستی از کتاب‌های خوب در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و مشخصاً گروه سنی نوجوان فراهم کنم. قرار بود کتاب‌ها در برنامه‌ای به تعدادی نوجوان اهدا بشود. یادم هست در آن زمان، فراهم کردن آن فهرست برایم کار آسانی نبود؛ چون چند مشکل وجود داشت.

دوستی که به او برای دادن فهرست معرفی شده بودم، در دقیقه ۹۰ سراغ بنده آمده بود و من کتاب‌فروشی سراغ نداشتم که اندازه فهرستی که به‌دنبال آن بودم، کتاب خوب داشته باشد. برای رسیدن به فهرست کتاب‌های خوب، مسیر دوم از کتابخانه‌ها می‌گذشت و با گرفتاری که آن‌زمان داشتم، این هم‌برایم میسر نبود. از فضای مجازی پروییمان امروز هم خبری نبود که بتوانم از آن بهره ببرم. و سواس من در انتخاب کتاب‌ها و دسترسی نداشتم به منابع مدنظر باعث شد تا اخیر، فهرست را فراهم کنم و البته آخر هم فهرستی که ۱۰۰درصد مورد تایید من باشد، فراهم نشد. حالا اما اگر کسی خواسته باشد این کار را برایش انجام بدهم که کم‌کم پیش نیامده است، به‌راحتی می‌شود فهرست خوبی از کتاب‌های کودک یا نوجوان را فراهم کرد.

این امر به مدد اتفاقات جدیدی است که در عرصه ادبیات کودک و نوجوان کشورمان و گسترش فضای مجازی رخ داده است. امروز در حوزه ادبیات کودک، نهادها و تشک‌ل‌هایی هستند که ه‌را‌گاهی فهرستی از کتاب‌های مناسب این حوزه را فراهم می‌کنند که بعضی از این نهادها و گروه‌ها عبارتند از: اول شورای کتاب کودک که کار خود را از دهه ۴۰ شروع کرد و در سایت این شورا می‌توان فهرست منتخب این نهاد را در حوزه کتاب، به تفکیک سال از دهه ۴۰ تا امروز دید. فهرست آثار برگزیده و شایسته تقدیر شورای کتاب کودک که از سال ۱۳۴۲، اسفند هرسال معرفی می‌شود، شامل سه بخش کتاب‌های داستانی، غیرداستانی و تصویری است. مرجع دومی که معمولاً معرفی می‌کنم، فهرست کتاب‌هایی است که در قالب رویداد لا‌ک‌پشت پرند معرفی می‌شوند. لا‌ک‌پشت پرند فهرستی از کتاب‌های ادبیات کودک

حدیث روز

از نشانه‌های تواضع این است که پاهای هر کسی رسیدنی سلام کنی.

امام صادق (ع)

وضعیت هوا آفتاب ابر باد ۲۰٪ ۱۱°↓ ۲۷°↑		
روز آفتاب ابر باد ۱۶° ظهر ۲۶°		
شب آفتاب ابر باد ۲۳° عصر ۱۶°		

 ● اذان ظهر ۱۱:۲۲
 ● نیمه شب شرعی ۲۲:۴۰

 ● غروب آفتاب ۱۷:۱۹
 ● اذان صبح فردا ۴:۰۱

 ● اذان مغرب ۱۷:۳۷
 ● طلوع آفتاب فردا ۵:۲۵

ضرورت نگاه توسعه‌ای به کشاورز و کشاورزی

محمد باقری

روزنامه‌نگار

چرا تخریب؟ چرا این همه سخت‌گیری؟ چرا باید این ادبیات کودک و نوجوان بچرخد؟ چرا قانون را به‌روز نمی‌کنیم؟

چرا از توسعه متوازن غافلیم؟ حرف ما ضرورت رسیدن به یک نگاه تازه

است نه خدای‌نکرده عبور از قانون، لذا به‌صراحت می‌گوییم بی‌قانونی هرگز! تخریب طبیعت هرگز! مدرن کردن مزارع آری، توسعه متوازن آری. به هدر دادن سرمایه‌ها هرگز! بی‌توجهی به روستاها هرگز! افزایش درآمد روستاییان حتما. ایجاد اشتغال و به‌کارگیری کارگر و سرعت چرخه اشتغال حتما.

فکر می‌کنم مشکل اصلی اینجاست که کشاورزی ما راه خود را می‌رود. دامداری ما راه خود را می‌رود و هیچ کدام به یکدیگر نمی‌رسند؛ چون همه در چند خط موازی حرکت می‌کنند، چون قانون‌گذاران ما با کشاورزی و دامداری و دهقان، آشنایی چندانی ندارند. مسئولان هم بیشتر پشت‌میزنشین هستند و از فکر و مشکلاتی که در روستاها وجود دارد، خبری ندارند.

بعید می‌دانم قانون‌گذاری که کرم خراط، کرم ساقه‌خوار یا سن را بشناسند، زیاد باشند. بعید می‌دانم مسئولانی که بدانند چقدر از کشاورزان ما خرده‌مال‌کنند، زیاد باشند.

این یک واقعیت است که قانون‌گذاران و مسئولان اجرایی آن‌طور که باید، نه از کشاورز اطلاع دارند نه از کشاورزی. دردم کپی‌آمی را فقط کشاورز ما می‌فهمد. سرمزدگی را فقط کشاورز ما می‌فهمد. گرانی سم، کود و هزینه کارگر را فقط کشاورز ما می‌فهمد. مصیبت وقتی است که کشاورز، خرده‌مالک باشد و تورم لجام‌گسیخته پیش‌رویش، نه می‌تواند در ۲هزار مترزمین گندم بکار و نه با ۳هزار متر باغ، چغریزه دختر تهیه و پسر داماد کند.

چه باید کرد؟ یا به‌طرف تشکیل کشاورزی و زراعت در کمتر از چند هکتار، اقتصادی نیست یا باید روستایی مهاجرت کند به

حاشیه شهرها. برای تحقق اولی، اراده‌ای در کار نیست. دومی هم که بمب خطرناکی می‌شود که با کوچک‌ترین اعتراض‌های اجتماعی همگام می‌گردد؛ چراکه کشاورز روستایی در شهر با نابسامانی‌های بسیار روبه‌رو می‌شود و فاصله وحشتناک طبقاتی، او را یک شورشی بار خواهد آورد.

پس چه باید کرد؟ چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. به‌روز باید بود. واقعیت را باید پذیرفت. توسعه متوازن، نگاه عادلانه به شهر و روستا، وضع قانون مترقیانه. بدیهی است وقتی کشاورز خرده‌مالک باشد و تورم باشد و از طرف دیگر جامعه شهری به باغچه‌ای ویلایی نیازمند باشد، کشاورز باید زمینش را بفروشد. بدیهی است وقتی قانون دست‌وپاگیر است، وقتی هیچ ماشائاتی نیست، بازرسی که ژان‌وال‌ژان را تعقیب می‌کند، حکم تخریب سرمایه‌ها را می‌دهد، اما توسعه متوازن می‌گوید سرمایه‌ها را از شهر به روستا ببرید. نیروی کار به کار گیرید. وقتی از زمین کوچک و زارع تهی‌دست کاری ساخته نیست، صنعت بوم‌گردی و گردشگری را ترویج کنید. آموزششان دهید. چرا نباید در فردوسی، کلات، طربقه‌وشاندیز، کنگ، ابرده و زشک که این همه مستعد گردشگری و توریست هستند، نگاه خشکی را که به کشاورزی چندهکتاری داریم، تغییر دهیم؟

مسئولان جهادکشاورزی ملزم به اجرای قانون هستند و خرده‌ای بر ایشان نیست اما نمایندگان مجلس می‌توانند این مشکل را حل کنند، با وضع قوانین جدید مبتنی بر توسعه مدرن. از آقای امامی، نماینده محترم طربقه و شاندیز و چناران، انتظار بیشتری است تا با تهیه طرحی، کاری کند کارستان؛ کاری که هم واقعیت خرده‌مالکی و فقر اقتصادی مردم و هم نیاز طبقه شهری به باغچه و اشتغال‌زایی و ارتباط آن با گردشگری را درک کند. اگر قانون اصلاح شود، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین شهری و روستایی به‌وجود می‌آید. گردش پول صورت می‌گیرد. فرهنگ‌سازی می‌شود. طبیعت بیشتر از گذشته دوست‌داشتنی خواهد بود. نه زمینی رها می‌شود و نه کوهی تخریب.

روزنامه شهر امید وزندگی

SHAHRARANEWS.IR

۰۶۰۷۰۹۹

۳۶ صفحه۲۱صفحه۴۰صفحه ورزشی۴۴ صفحه خراسانات۱۶صفحه شهرارامحه شماره ۱۳۲۱۲۱۰۰۰تومان

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

جهان در خطر است

هدی جاودانی

«سلام. من دیوید آنتیرو هستم و ۶۰سال گذشته در تلویزیون و رادیو بودم و این اولین باری است که در اینستاگرام حضور پیدا می‌کنم و این کار را [۰۰۰] انجام دادم چون همان‌طور که همگی ما می‌دانیم،

جهان در خطر است.

قاره‌ها در آتش می‌سوزند. یخچال‌های طبیعی در حال ذوب شدن هستند. صخره‌های مرجانی به پایان خود نزدیکند، ماهی‌ها در حال ناپدید شدن از اقیانوس‌ها هستند و این فهرست همین‌طور ادامه پیدا می‌کند.»

سر دیوید آنتیرو (۱۹۲۶) برای کمک به گسترش پیام‌های زیست‌محیطی خود، اخیراً به اینستاگرام پیوسته است و این اولین پیام ویدئویی‌اش در این شبکه اجتماعی بود. پیام او در کمتر از یک ساعت، بیش از ۲۰۰هزار نفر و حال‌پاس از دوروز، حدود ۴میلیون مخاطب را برای او به‌ارمغان آورده است؛ محبوبیتی بی‌سابقه که پیش از این، تنها برای گروهی خاص از سلبریتی‌ها اتفاق افتاده بود.

اما دیوید آنتیرو کیست؟ جانی هیوز و کالین باتفیلد از همکاران آنتیرو، که مدیریت صفحه او در اینستاگرام را برعهده دارند، آنتیرو را این‌گونه معرفی کرده‌اند: «دیوید آنتیرو عمر خود را صرف ما‌جرا جوینی و اکتشاف در دست‌نخورده‌ترین نقاط سیاره‌مان و ثبت جهان موجودات زنده، با تمامی تنوع و شگفتی‌هایشان کرده است. او همچنین شاهد آسیب‌های واردآمده بر این جهان بوده است.»

سر دیوید آنتیرو، تاریخ‌دان طبیعی، از سال ۱۹۵۴، با آن‌گونه که خود می‌گوید، «۶۰سال

- روزنامه فرهنگ‌ی
- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان
- شهید، نیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۰
- نمابر: ۳۷۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

هرکسی که نمی‌تواند «شهید» بشود

غلامرضا بنی‌اسدی

شهادت، یک اتفاق نیست، یک انتخاب است. این‌طور نیست که بر اثر حادثه‌تیری بیاید و بر جانی بنشیند و تمام. نه، نتیجه یک انتخاب دسویه است. هم باید به معرفت انتخاب برسی و به‌جان، پای انتخابت بایستی و هم به‌عشق انتخاب شوی که این باز هم نتیجه یک عشق دسویه است؛ همان که در حدیث قدسی من‌طلبینی، وجدنی... ترسیم‌و به‌زبان حق تحریر شده است. این کلمات را نوشتم تا مقدمه‌ای باشد برای رفتار خوانی شهیدا که هرکدام می‌تواند سرمشقی باشد برای زندگی امروز.

شهید خلیبان سرلشکر بابایی، طلاهای همسرش را فروخت و به افسران و سربازان مائل داد و گفت: مایحتاج عمومی گران شده است و حقوق شما کفاف خرج زندگی را نمی‌دهد.

شهید رجبی، پول قرض الحسنه به دیگر نیروها می‌داد و می‌گفت وام است و وقتی می‌گفتند دفتر چه قسطش را بده، می‌گفت کسی دیگر پرداخت می‌کند.

یاد شهید حسین خرازی به‌خیر که قمقمه آبش را باوجودی که خودش تشنه بود، به هم‌زمانش می‌داد و خودش ریگ توی دهاشم می‌گذاشت که کاشم از تشنگی به‌هم نچسبد.

شهید مهدی باکری چنان اهل کار بود که انباردار به مسئولش گفت: «می‌شه این رزمنده روبه من تحویل بدی، چون مثل سه تا کارگر کار می‌کنه.» طرف می‌گوید رفتم جلو دیدم فرمانده لشکر، مهدی باکری است که صورتش را پوشانده است تا کسی شناسدش و گفت چیزی به انباردار نگوئید. چنین اهل دادودهش و عمل بودند که در مرگستان دنیا به مقام والای شهادت، بار یافتند. همان که شهید علمدار درباره‌اش می‌گفت: برای بهترین دوستان است که دعای شهادت کنی و در آخر دعا کنی شهید شویم که اگر شهید نشویم، باید بمیریم.

تاریخ‌نگار

صدور اولین قطعه‌نامه شورای امنیت درباره جنگ تحمیلی

رضا سلیمان نوری

چهار روز پس از آغاز جنگ تحمیلی، دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت اطلاع داد که باوجود کوشش‌های صورت‌گرفته برای توقف حملات، جنگ میان ایران و عراق در زمین، دریا و هوا ادامه دارد و خسارات جانی و مالی به بار می‌آورد، وی پیشنهاد کرد شورای امنیت، مسئله را به‌سرعت رسیدگی کند. بر همین اساس، موضوع جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد در روزهای چهارم تا ششم مهر ۱۳۵۹ بررسی وضعیت جنگ ایران و عراق بود. در آخرین روز این سلسله‌جلسات یعنی ششم مهر قطعنامه‌ای در این زمینه به اتفاق آرا تصویب شد که به قطعنامه ۴۷۹ موسوم است و نخستین قطعنامه از مجموع ۱۲ قطعنامه سازمان ملل درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران محسوب می‌شود. در این قطعنامه، ضمن اظهار نگرانی عمیق درباره وضعیت رو به گسترش جنگ میان دوطرف، از ایران و عراق خواسته شده بود که مناقشه خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، حل کنند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران در اظهارنظری درباره این قطعنامه، با اعلام نقض مکرر عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق و قصد و نیت عراق برای تشدید اقدامات خصمانه در مقابل خویشن‌داری ایران، تصریح کرد که عراق با برپا کردن یک جنگ تجاوزکارانه در داخل سرزمین ایران و حمله به مراکز حساس این کشور، برای آن راهی جز دفاع از خود به‌منظور حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی باقی نگذارده است. ایران همچنین اعلام کرد: مادامی که عراق، تمامیت ارضی و حاکمیت ما را زیر پا بگذارد و مأموران عراق در داخل مرزهای ما به اقدامات تجاوزکارانه و خرابکارانه مبادرت ورزند، قطعنامه نمی‌تواند مورد قبول ایران واقع شود. قطعنامه ۴۷۹ به‌دلیل آنکه هیچ اشاره‌ای به آغازگر جنگ نکرده و دو طرف را به یک اندازه مخاطب قرار داده بود، ظالمانه‌ترین قطعنامه شورای امنیت درمورد جنگ عراق علیه ایران به‌شمار می‌رود.

یادداشت‌ها — 43

#زین‌قندپاری